

کتاب، مثال، مراسم، مرقومه، منشور، مکتوب، ملطفه، نمیقه، و نیز خطاب، مشافهه،

مطالعه، مکاتبه، یرلیخ، مشرفه، قصه^(۱۱۱) که با مراجعه به آثار بازمانده در فن دبیری و همچنین نامه‌ها و منشآت گوناگون به انواع و طرز کاربرد هریک آشنا می‌شویم. به عنوان مثال: «قصه آن نبشته را خوانند کی رعیت به سلطان و والی بردارند در عرضه کردن حالی یا حاجتی». «^(۱۱۲) و «ملطفه آن نبشته را خوانند کی سری نازک در او باز نموده باشند و مقرط بر کاغذ باریک نبشته و بی عنوان ملصق کرده تا چشم کسی به حینه بر مطاوی آن نیفتد». «^(۱۱۳) و یا سچل: «نامه‌ای است که برای رسول یا مخبر یا پیک یا دیگر ماموران حکومتی نوشته می‌شود، تا در بین راه به هر جا که می‌رسند از طرف کسار گزار، آذوقه لازم در اختیارشان بگذارند و روانه‌شان سازند».^(۱۱۴)

سلطانیات و اخوانیات

نامه‌ها و منشآت را در گذشته به سلطانیات و اخوانیات تقسیم می‌کردند. مراد از سلطانیات،

ملوک به تخت ملوک باید بنشست، دیگر است و مرد آن‌گاه آگاه شود که بنشستن گیرد و بداند که پهنای کار چیست».^(۱۱۵)

از نامه‌های سلطانی که به اسلوبی خاص نوشته شده، می‌توان به نامه‌ها و مکاتبات میان پادشاهان و امر و وزرا و دیگر شخصیتها و نیز مناشیر و فرمانها، فتحنامه و شکست‌نامه، تعزیت‌نامه، تهنیت‌نامه، سوگندنامه، عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها اشاره نمود. از اخوانیات نیز علاوه بر آنچه در مجموعه منشآت و مکاتیب آمده به نامه‌هایی منظوم (Epistel) برمی‌خوریم که سرشار از عواطف و اندیشه‌های شاعرانه است. مانند: نامه اهل خراسان از انوری که شاعر با لرزش دل و تأثر، شکوه مردم خراسان را در بیداد غزان، بر خاقان سمرقند، قلعج طمغاج‌خان، عرضه می‌دارد و با این مطلع فریاد برمی‌آورد:

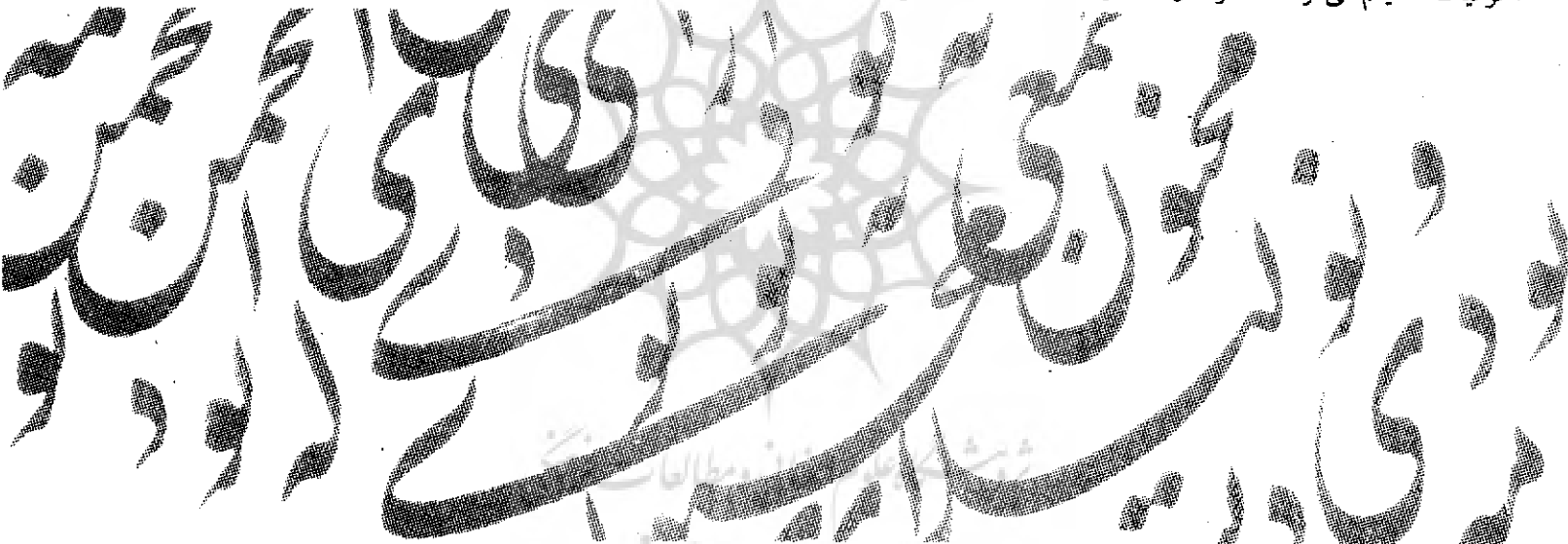
به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر

نامه اهل خراسان به بر خاقان بر^(۱۱۶)

در تاریخ جهانگشای جوینی نامه منظوم انوری و رشیدالدین وطواط- که در جریان قلعه هزاراسب

فن ترسل یا هنر نامه‌نگاری

فن ترسل یا هنر نامه‌نگاری که در آن از آیین نویسندگی و فن کتابت سخن به میان می‌آید،^(۱۱۷) همواره مورد توجه نویسندگان و کتابان بوده است. رعایت حدود و معیارها در نگارش منشآت و مراسلات، برای هر طبقه از افراد، سبب گردید تا از دیرزمان کتابها و آثار در فن انشا و ترسل و شیوه‌های نامه‌نگاری تدوین شود. قدیم‌ترین اثری که به زبان پهلوی در این فن، به دست آمده، رساله کوچک «آیین‌نامه نویسی» است. «این متن دارای چهل و پنج بند است که هریک از بندها شیوه‌های گوناگون، در سبک نامه‌نویسی را ارایه می‌دهد. بند نخست آن مقدمه‌ای است در شرح کسانی که به آنان نامه نوشته می‌شود. در بندهای دیگر طرز نوشتن انواع آفرین و ستایش، خطاب، عنوان‌نامه، همدردی و تسلیت، مطالب و سطننامه و پایان‌نامه‌ها ذکر شده است». «بعد از اسلام کتابهایی به زبان عربی نوشته شد که هریک به بررسی و بحث درباره شرایط دبیری و کاتبی و شیوه‌های نگارش مراسلات و نامه‌ها پرداختند.



فرمانها و منشورها و نامه‌هایی بود که از دربار پادشاهان و سلاطین صادر می‌شد و یا نامه‌هایی که پادشاهان و امرا به یکدیگر و به زیردستان خود می‌نوشته‌اند و یا از زیردستانشان به آنها نوشته می‌شده است.^(۱۱۸) مقصود از اخوانیات نامه‌های محبت‌آمیز و دوستانه‌ای است که طبقات مختلف مردم به یکدیگر می‌نوشته‌اند.^(۱۱۹) به سلطانیات نامه‌های دیوانی یا نامه‌های رسمی، دولتی و اداری و به اخوانیات نامه‌های دوستانه، خصوصی و یا غیررسمی می‌گویند.

سبک نگارش سلطانیات با اخوانیات فرق داشت و ممکن بود منشیان و دبیران در یکی از این دو مهارت داشتند و در دیگری عاجز و قاصر.^(۱۲۰) ابوالفضل بیهقی که خود از دبیران درباری است؛ می‌گوید: «طرفه آن بود که از عراق گروهی را با خویشان بیاورده بودند، چون بوالقاسم حریش و دیگران و ایشان را می‌خواستند که بر روی استاد [بونصر مشکان] برکشند که ایشان فاضل‌ترند و بگویم که ایشان نثر به غایت نیکو بگفتندی و دبیری نیک بکردندی ولیکن این نمط که از تخت

با تیررد و بدل شد- آمده است»^(۱۲۱) که نمونه‌ای از نامه‌های منظوم است. در دیوان شاعران نمونه‌های زیبایی از نامه‌های منظوم را می‌یابیم که سرشار از عواطف و احساسات شاعرانه است و بیشتر شامل گله‌گذاریها، شکواییه‌ها، حبسیات و موضوعات دیگر می‌باشد. مانند: بعضی از اشعار مسعود سعد سلمان^(۱۲۲) و یا بعضی از اشعار خاقانی همچون قصیده‌های خطاب به اندرو نیکوس کمئوس در شکایت از حبس و شفیع گرفتن او برای خلاص از زندان^(۱۲۳) و پاره‌ای از غزلیات حافظ^(۱۲۴) و از معاصران، نامه شهریار به انیشتین.^(۱۲۵)

از دیگر انواع اخوانیات، نامه‌های دانشمندان، عارفان و صوفیان و اجازه‌نامه‌ها و ارشادنامه‌های آنان است. مانند: تعداد زیادی از نامه‌های امام محمدغزالی و نیز نامه‌های عین‌القضات همدانی و از اجازه‌نامه‌های آنان مانند: اجازه خرقه پوشیدن که در مقاله خرقه هزارمیخی نمونه‌های مختلفی از جمله اجازه مجیدالدین بغدادی (۵۵۶-۶۱۶ ه.ق) به علی لالا (م ۶۴۲ ه.ق) آمده است.^(۱۲۶)

مانند: ادب‌الکتاب از ابوبکر محمدبن یحیی صولی شطرنجی گرگانی (م ۳۳۶) در سه بخش: بخش اول درباره خط و قلم. بخش دوم درباره ابزار آلات نوشتن و انشا و کتابت و بخش سوم درباره اموال و بیت‌المال و انواع خراج و مکاتبات و پاره‌ای از قواعد رسم‌الخط عربی.^(۱۲۷) در ادب پارسی تا قرن ششم در این باب اثر مستقلی دیده نمی‌شود و تنها در بعضی از آثار مانند: قابوسنامه^(۱۲۸) و چهارمقاله^(۱۲۹) اندک مطالبی آمده است. نخستین کتاب مستقلی که در فن دبیری و شیوه نامه‌نگاری برجای مانده، دستور دبیری از محمدبن عبدالخالق میهنی (اوایل قرن ششم) است. در این کتاب علاوه بر شیوه نویسندگی انواع مختلف نامه‌ها با نمودهایی از فرهنگ عامیانه آشنا می‌شویم. به عنوان مثال، باقلم کوتاه نمی‌نوشتند و از نشستن بر تراشه قلم خودداری می‌کردند چون نشانه ادبار بود^(۱۳۰) و یا خاک پاشیدن و بریدن گوشه کاغذ و نامه انداختن: «چون از نیشتن فارغ شد اگر تر بود اندکی خاک پاکیزه بر او پاشد روا باشد کی در سنت آمدست و

به فال نيك است و چون در خواهد نوشتن، اگر گوشه پایان کاغذ قدری بیندازد تا شکل مربعی باطل شود کی تریبب شکل نحوست و چون به رساننده خواهد داد، پیش او اندازد تا بردارد که به فال دارند.^(۳۲)

از دیگر آثار در فن دبیری می توان به اعجاز خسروی از امیر خسرو دهلوی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب از محمد بن هندوشاه نخجوانی، مناظر الانشا از خواجه عمادالدین محمود گاوآن، بدایع الانشا یا انشای یوسفی از محمد بن یوسف یوسفی هروی و بسیاری دیگر اشاره نمود.^(۳۳)

نگارش نامه‌ها و منشآت
بحث و بررسی شیوه و سبک نگارش منشآت و

کاملاً مصنوع و متکلف می نوشتند. مانند: بهاء الدین محمد بغدادی (م. او آخر قرن ششم) در التوسل الی التوسل،^(۳۴) عده‌ای نیز نسبتاً مصنوع می نوشتند مانند: سنایی غزنوی.^(۳۵) سبک نگارش سلطانیات مصنوع و متکلف و اخوانیات به نسبت ساده تر بود. ولی همیشه اخوانیات را ساده نمی نوشتند. چنان که خاقانی در نامه‌هایی که به دوستان نوشته است (همچنان که به شاهان) از نثر فنی استفاده کرده است.^(۳۶) این روند تقریباً در منشآت تا قرن سیزدهم هـ. ق و عهد فتحعلیشاه ادامه یافت. تا آن که قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳-۱۲۵۱ هـ. ق) از طریق منشآت خود ساده نویسی را متداول کرد. از پیروان موفق قائم مقام در نسر، امیر نظام گروسی (۱۲۳۶-۱۳۱۸ هـ. ق) است که در آوردن اصطلاحات و تعبیرات عامیانه مهارت زیادی داشته است.^(۳۷) از همعصران امیر نظام، فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۲۳۳-۱۳۰۵ هـ. ق) بود که در به کاربردن فارسی سره اهتمام می ورزید. ولی لغات عربی را نیز به ناچار به کار برده است.^(۳۸) پس از فرهاد میرزا می توان به منشآت فاضل جمی (م ۱۳۱۹ هـ. ق) اشاره نمود. منشآت او مزین است به آیات و احادیث و انواع آرایه‌های ادبی، لغات و اصطلاحات عرفانی و برخی اسامی شهرها و روستاها.^(۳۹)

۲- دبیران و منشیان در نوشتن مکاتیب سلطانی از منشآت مشهور زمان خود و یا گذشتگان سرمشق می گرفتند. شکل کلی سلطانیات گاه تکراری و ملال آور است.^(۴۰) در عوض اخوانیات از نظر سبک و شیوه نگارش تنوع بیشتری دارد. زیباترین رکن اخوانیات که اصطلاحاً به آن شرح اشتیاق می گفتند، از برجسته ترین جنبه‌های ادبی منشآت و مکاتیب می باشد که با نثری زیبا و شاعرانه و اشعاری سرشار از عاطفه و احساس در صدر و یا متن نامه بیان شده است. البته در مکاتیب سلطانی بویژه مکاتیب سلاطین به هم این رکن حذف می شد.

۳- در سلطانیات عنوان یا سرنامه یا آغاز نامه اهمیت داشت و در اصطلاح عبارت بود از: تعیین مرتبه هر فرد از افراد ملوک و سلاطین و امر و وزرا و اکابر و اصاغر و اعیان و معارف ... و تحریر و تقریر ... القاب و دعا خطابی که ملایم حال و فراخور قدر و وضع ایشان باشد.^(۴۱) علاوه بر القاب و خطاب که خود بخشی طولانی دارد،^(۴۲) هر کجا که از محترمی یاد می شد، دعا نیز لازم بود و دعانکردن و کوتاهی در این کار، نوعی اهانت قلمداد می شد و برای هر مخاطبی جمله دعایی مخصوصی به کار می رفت. به عنوان مثال برای سلطان چنین می نوشتند:

سلطان اعظم - ادام الله ملکه -، یا برای بیمار «اشفاء الله» یا «عجل الله شفاءه»^(۴۳)

۴- برای تمییز از نامه کاتب و مخاطب در سلطانیات و اخوانیات، الفاظ و اصطلاحات ویژه‌ای به کار می رفت. به عنوان مثال در



ویژگیهای آن، به تحقیق گسترده‌ای نیاز دارد که در این جا به ذکر چند مورد اکتفا می شود:

۱- منشآت مانند دیگر انواع نثر در هر دوره ویژگیها و خصوصیات دارد. در قرن پنجم مکاتیب و منشآت به نثر مرسل نوشته می شد.^(۴۴) ولی در پی نفوذ هر چه بیشتر زبان عربی و استفاده از لغات و ترکیبات آن از ستوی منشیان و کاتبان و نیز هنرنامه‌های آنان در آوردن آرایه‌های ادبی، همچون: استفاده از آیات و احادیث، آوردن اشعار و امثال فارسی و عربی، تلمیحات، سجع و دیگر صنایع، منجر گردید تا از قرن ششم به بعد، به تدریج منشآت در ردیف یکی از اقسام نثر مصنوع قرار می گیرد. از این میان عده‌ای به طور

سلطانیات از نامه مخاطب با الفاظی چون: «خطاب گرمی»، «حکم جهان مطاع» و ... و در اخوانیات: «مفاوضه کریم»، «مفاوضه عزیز»، «ملطفه»، «نمیقه» و ... مثال:

- در این وقت قاصدان مجلس شریف - زاده الله شرقاً - رسیدند و مفاوضه کریم رسانیدند.^(۳۵)

- «خدا داند که این نمیقه را به شوق خاطر نگاشتم».^(۳۶)

۵- در بعضی از مکاتیب سلطانی مانند: فتحنامه، شکستنامه، عهدنامه، مناشیر و فرامین، سوگندنامه و نیز تسلیتنامه و تهنیتنامهها، ابتدا مقدمه‌ای به عنوان حسن مطلع و براعت استهلال آورده می‌شد که منشیان و دبیران در این قسمت به تناسب مطلب، به مقدار زیادی از آیات و احادیث استفاده کرده‌اند.^(۳۷)

۶- منشآت و مکاتیب علاوه بر جنبه‌های زبان‌شناسی و ادبی به لحاظ انعکاس اوضاع اجتماعی و رخدادهای تاریخی سودمند است. با مطالعه و بررسی هریک به اصطلاحات دیوانی و



وضع معیشتی مردم و بسیاری از جریان‌های اجتماعی و تاریخی در ادوارهای مختلف پی می‌بریم. به طور مثال در مکاتبات رشیدی اوضاع اجتماعی عهد ایلخانان منعکس شده است و از طریق یک نامه از عظمت و عملکرد «ربع رشیدی» آگاه می‌شویم.^(۳۸) و یا منشآت قائم مقام و امیرنظام و یا مکتوبات شیخ محمد حسن سیرجانی (پیغمبر دزدان)^(۳۹) و دیگران، گوشه‌هایی از اوضاع سیاسی و اجتماعی عهد قاجار را نشان می‌دهد.

در نامه‌ای، قائم مقام از اوضاع بد اقتصادی در عهد فتحعلیشاه و وضعیت اجتماعی تهران آن روز می‌نویسد: «... خرج تهران ریشه مرا به آب رساند ... شاه و گدا، شام و سحر بده بده می‌گویند و حفظ آبرو نمی‌توان نکرد ...»^(۴۰)

۷- منشیان و نویسندگان گاهی به صورت هزل و شوخی مطالبی می‌نگاشتند و در این کار طبع آزمایی می‌کردند که نمونه‌های جالبی از هزل و گاهی طنز در منشآت و مکاتیب یافت می‌شود. به عنوان مثال قائم مقام از باب هزل و شوخی

درباره یکی از زنانش نوشته است: «این زن ... ظالم مگر پرده ظلام است که با شفق می‌آید و با فلق نمی‌رود. مهمانها را تمام جواب گفتم و خلق روی زمین همه در خواب برفتند و شب از نیمه گذشت و این نوکرک ... خودم مثل علم یزید برپا ایستاده گویی ابری است که از پیش قمر نرود. نه پایش خسته می‌شود و نه زبانش بسته ...»^(۴۱)

پی نوشت:

- ۱- تاریخ هردوت، ترجمه غ. وحید مازندرانی، چاپ فرهنگستان ادب و هنر ایران، (بدون تاریخ)، صفحه ۹۹-۹۸
- ۲- تورات، کتاب عزرا، فصل ششم، صفحه ۲۳۳ (تاریخ و محل چاپ ذکر نشده)
- ۳- سوره نمل (۲۷) آیات ۳۱-۳۳
- ۴- ر.ک: وثائق، تألیف دکتر محمد حمیدالله، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر بنیاد، ۱۳۶۵ و مکاتیب الرسول، حجة الاسلام علی بن حسین علی احمدی، نشر یس، ۱۳۶۳
- ۵- مخزن الانشا، محمدصادق خوانساری، به خط میرزا محمد رضا کلهر، چاپ سنگی، ۱۳۰۰ ه.ق، صفحه ۲۴-۳
- ۶- بیهقی می‌گوید: «نسخه‌های خطی نامه‌های ابونصر مشکان، صاحب دیوان رسالت محمود و مسعود را جمع و نگاهداری کرده بود و در زمان خود او دستخوش اغراض معاندان شده و از میان رفته است. (تاریخ بیهقی، چاپ دکتر غنی و فیاض، صفحه ۴۵۷)
- به نقل از: نامه‌های رشیدالدین وطواط، دکتر قاسم توپسرکانی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، صفحه ۷۹ (مقدمه کتاب)
- ۷- مکاتیب فارسی غزالی، به تصحیح عباس اقبال، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۵
- ۸- نامه‌های عین القضاة همدانی، علینقی منزوی، عقیف عسیران، چاپ دوم، گلشن، ۱۳۶۲
- ۹- مکاتیب سنایی، به اهتمام نذیراحمد، چاپ اول، چاپخانه صنوبر، تهران، ۱۳۶۲
- ۱۰- غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، جلد ۲، صفحه ۲۸۶۶
- ۱۱- لغتنامه دهخدا، ذیل واژه‌نامه و کلمات ذکر شده
- ۱۲- دستور دبیری، محمدبن عبدالخالق مینوی، به تصحیح عدنان صادق آرزوی، انقره، ۱۹۲۲، صفحه ۲۹
- ۱۳- دستور دبیری، همان، صفحه ۳۰
- ۱۴- مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، چاپ دوم، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۶۰
- ۱۵- دانشنامه ادب پارسی، به سرپرستی حسن انوشه، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۶، جلد ۲، صفحه ۸۲۲
- ۱۶- دانشنامه ادب پارسی، همان، صفحه ۳۰
- ۱۷- نامه‌های رشیدالدین وطواط، همان، صفحه ۱۳۰ (مقدمه کتاب)
- ۱۸- تاریخ بیهقی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، چاپ چهارم، انتشارات مهتاب، صفحه ۶۴
- ۱۹- دیوان انوری، محمدتقی مدرس رضوی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱، جلد اول، صفحه ۲۰۱
- ۲۰- تاریخ جهانگشای جویسی، به تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی، چاپ دوم، انتشارات بامداد، جلد ۲، صفحه ۸
- ۲۱- دیوان مسعود سعدسلیمان، به تصحیح مرحوم رشید یاسمی، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۴۳۲

- ۲۲- دیوان خاقانی، به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی، چاپ پنجم، انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۴
- ۲۳- انواع ادبی، دکتر شیروس شمیسا، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۳، صفحه ۲۶۰
- ۲۴- کلیات دیوان شهریار، انتشارات سعدی، تبریز، ۱۳۴۷، صفحه ۵۱۶-۵۱۹
- ۲۵- محمدتقی دانش‌پژوه، خرقة هزارمیخی، مجموعه سخنرانیها و مقاله‌ها درباره فلسفه و عرفان اسلامی، به کوشش مهدی محقق و هرمان لندلت، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، صفحه ۱۶۵-۱۶۷
- ۲۶- محمدتقی دانش‌پژوه، دبیری و نویسندگی، مجله هنر و مردم، شماره صدوششم، مردادماه ۱۳۵۰، صفحه ۲۷
- ۲۷- منیره احدزادگان، آیین نامه‌نویسی، مجله چیستا، سیال سوم، اردیبهشت ۱۳۶۵، شماره ۸، صفحه ۶۰۹
- ۲۸- برای اطلاع بیشتر ر.ک: محمدتقی دانش‌پژوه، هنر و مردم، همان، شماره صدویکم، اسفندماه ۱۳۴۹، صفحه ۴۶
- ۲۹- قابوسنامه، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۵، صفحه ۲۰۷
- ۳۰- چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی، علامه محمد قزوینی، چاپ اول، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۸، تهران، صفحه ۵۳
- ۳۱- دستور دبیری، همان، صفحه ۲
- ۳۲- دستور دبیری، همان، صفحه ۲۸
- ۳۳- گنجینه سخن، دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ چهارم، چاپخانه سپهر، تهران ۱۳۶۳، جلد اول، صفحه ۱۴۰-۱۳۳ و نیز برای اطلاع بیشتر ر.ک: محمدتقی دانش‌پژوه، همان، شماره صدوششم صفحه ۲۷-۳۳
- ۳۴- ر.ک: تاریخ بیهقی، همان، صفحه ۶۴-۶۹ (نامه سلطان مسعود به قدرخان به قلم ابونصر مشکان)
- ۳۵- ر.ک: التوسل الی التوسل، بهاءالدین محمد بغدادی، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران ۱۳۱۵
- ۳۶- ر.ک: مکاتیب سنایی، همان
- ۳۷- شیروس شمیسا، سبک‌شناسی نثر، همان، صفحه ۹۳
- ۳۸- ر.ک: منشآت امیرنظام گروس، آقا محمد اسماعیل تاجر کتابفروش، تهران ۱۳۲۴ ه.ق، چاپ سنگی، صفحه ۹۱-۹۲
- ۳۹- ر.ک: منشآت فرهاد میرزا، غلامرضا طباطبایی، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۹، صفحه ۶
- ۴۰- منشآت فاضل جمی، هیئت‌الله مالکی، چاپ اول، انتشارات کویر، تهران ۱۳۷۱، صفحه ۲۵
- ۴۱- به عنوان نمونه ر.ک: نامه‌های رشیدالدین وطواط، همان، صفحه ۶-۱۸
- ۴۲- دستورالکاتب، همان، صفحه ۶
- ۴۳- ر.ک: احمد اشرف، لقب و عنوان، در زمینه ایران‌شناسی، به کوشش چنگیز پهلوان، چاپ مبین، ۱۳۶۸، صفحه ۲۶۷-۳۰۳
- ۴۴- برای اطلاع بیشتر ر.ک: دستور دبیری، همان، صفحه ۱۴-۱۸
- ۴۵- نامه‌های رشیدالدین وطواط، همان، صفحه ۲۷ و نیز ر.ک: فن نثر در ادب پارسی، همان، صفحه ۳۴۷-۳۵۳
- ۴۶- منشآت قائم مقام فراهانی، دکتر جهانگیر قائم مقامی، چاپ اول، کتابفروشی ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۷، صفحه ۲۷
- ۴۷- به عنوان نمونه ر.ک: منشوری در تقلید خطابت، نامه‌های رشیدالدین وطواط، همان، صفحه ۳۷
- ۴۸- مکاتبات رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، محمد شفیع، لاهور، ۱۹۴۵، صفحه ۳۱۷-۳۲۰
- ۴۹- ر.ک: پیغمبر دزدان، باستانی پاریزی، چاپ دوازدهم، انتشارات نگاه، ۱۳۶۸، صفحه ۱۰۹
- ۵۰- منشآت قائم مقام فراهانی، همان، صفحه ۶۱
- ۵۱- منشآت قائم مقام، همان، صفحه ۲۳